

دو گزیده از مجله نامه سودمند

پیش درآمد

مجله «نامه سودمند» با مدیریت عبدالله رازی در تیرماه سال ۱۳۰۵ هجری خورشیدی در قاهره مصر آغاز به انتشار نمود. این مجله که در پی تعطیلی مجله رستاخیر با مدیریت فرد یاد شده به وجود آمده بود، از مشی ادبی و اجتماعی پیروی می‌کرد و نسبت به وضع موجود اجتماعی موضع انتقادی و اصلاحی داشت. اینک برای آشنایی با شیوه کار و نشر و اهداف اجتماعی این نشریه دو مقاله آن را برگزیده و عیناً در این جا درج می‌کنیم. مقاله اول با عنوان «محافظه آثار ملی» درباره آثار باستانی، عتیقه‌جات و اهمیت این قبل آثار می‌باشد.

مقاله دوم نیز تحت عنوان «قضات عدلیه ایران بخوانند» گزارش مربوط به رسیدگی به یک درخواست خسارت مرتبط با طلاق در دادگستری مصر است که در آن از زن شاکلی و مطلقه حمایت و جبران خسارت شده است و مجله سودمند آرزو کرده است که ای‌کاش عدلیه (دادگستری) ایران نیز بتواند چنین احکامی صادر نماید. این دو مقاله از شماره اول، سال اول مجله‌نامه سودمند برگرفته شده است.

یاد



محافظه آثار ملی به قلم جناب آقای طاهرزاده تبریزی

چیزی که ما را زنده و جوان نگاه می‌دارد، کار و یادگار است.
گوته شاعر معروف آلمانی

آیا در ایران هم علم آثار عتیقه شناسی لازم است؟
هر ملت و قوم در حدود تاریخی خود آثاری به یادگار می‌گذارد که بلندی یا پستی استعداد و لیاقتش در روی صفحات آن آثار نمایان است.
این قبیل آثار قدیمه که از تأثیر مد و جزرهای سیاسی و صنعتی به وجود می‌آمد بهترین میزان ترقی است. از این جهت است که هر ملت و دولت برای خود موزه‌ها ترتیب داده و در آن آثار قدیمه را نگاه می‌دارد! به خصوص در قرن اخیر حس جمع‌آوری آثار عتیقه در اروپا و آمریکا خیلی افزوده است. این جستجو و تفحص آثار قدیمه وسیله شد که علم آثار عتیقه‌شناسی به وجود آمد و مثل سایر علوم برای خود دایره تشکیل داد به طوری که امروز در مدرسه «تکنیک» عالی برلین، این علم را جداگانه تدریس می‌کنند. حال که در دنیا ملیت محور شئونات سیاسی، صنعتی و اقتصادی و غیره گردیده، اهمیت آثار عتیقه به مراتب بیشتر از اول می‌باشد.
به هر اندازه که دول پر زور دربارهٔ تزئید تعداد مستملکات خود می‌کوشند به همان اندازه هم تاریخ شناسان و صانعان هر ملت در تکاپو هستند که صنایع ملل کم زور را به چنگ بیاورند! آری دنیا دنیای زور است! اساس آفرینش هم در روی قوت برقرار گردیده است! از پرنده تا درنده، از نباتات تا جمادات، از آب تا آتش، از کوچکترین کرم تا نوع بشر، با زور بی‌زور را محو و نابود می‌کند! هم از تأثیر این قانون طبیعت است که هر ملتی که دارای زور بازو هست در دنیا با کمال راحتی زندگانی می‌کند و هر ملتی که ضعیف و بی‌تاب است اسیر پنجهٔ ملل قوی می‌باشد! ایران ما یکی از آن ملل ضعیف می‌باشد که دارایی خود را نمی‌تواند حفظ بکند! بعضی اروپائیان بی‌جهت آن را «مملکت خواب» می‌نویسند.



سودمند

بِحَسْبِ عِلْمٍ اُرْتَبِتْ وَفَلَسْفِي

بنام اهورا مزدا و یاری و خشوران پاك

پرنده‌ش زردشتم آمد بخواب
زدم بوسه بر پای آن کان مهر
بدو گفتم آنچه بدل راز بود
تبسم کنان آیت کرد کار
جهان سر بسر جای درد و غم است
که این رنج بهر دلارام بود
چنین است رسم جهان سر بسر
تو در فکر شادی هر مزد باش
چو شد فکر و گفتار و رفتار راست
ز حقاقتن خویش باکی مدار
که گر قطره خونت فتد بر زمین
بسدریا چو ریزند خاکسترت
پس از قرنها چونکه حقاقت بخت
نما از سخن کاخ معنی بلند
توانی بدین پاریسی دری
زبان هم چو تیغ است و خامه سنان
که در نزد دانا دلان روشن است
ز نور رخس مقتبس افتاب
بنالیدم از جور گردون سپهر
که او محرم راز و دمساز بود
مرا گفتم زین غصه باکی مدار
ولی عارف از درد و غم خرم است
نه از بهر اسایش و کام بود
خورد سنگ شاخی که شد بارور
نه در بند پاداش یا مزد باش
چه اندیشه گر کس کند بازخواست
چو منصور اگر بر زنتت مدار
شود نقش بروی « انا الحق » یقین
شود دجله پر جوش از گوهرت
بگویند اخلاف کوراست گفت
که ایرانیان را بود سودمند
حجاب خرافات را بر دری
چو کردان به میدان شتاب این زمان
که هر مزد غالب بر اهرمن است



ملت بیدار امتیاز حفریات را به خارجی‌ها نمی‌دهد!

یکی از بهترین و روشن‌ترین دلایل آن این است که کشوری که آثار قدیمه آن قسمتی از موزه‌های عالم را زینت می‌بخشد امروز در خود آن چیزی باقی نمانده است! اگر هم چیز مختصری در گوشه و کنار باقی است از روی جهالت یا به قول یکی از اروپائیان از تأثیر رکود و خواب آلودگی نزدیک به نابودی است. یکی از بزرگترین صدماتی که به آثار قدیمه ایران وارد آمده مسئله حفریات می‌باشد که امتیاز آن را دولت ایران به خارجی‌ها داده است. این یک نوع خرابی است. که تعمیر آن محال است! آیا آن آجرها «آجرهای لعابی» و سر ستون‌ها و حجاری‌ها و سایر آثار برجسته‌ای که از سرای دارا کنده و در موزه «لور» پاریس به نمایش گذاشته‌اند ممکن است امروز پس گرفت؟ آیا قرآن‌ها، و نسخه‌های خطی و مینیاتورهایی که امروز در موزه‌های مختلف دنیا موجود است امکان دارد که ایرانی‌ها آن‌ها را باز خرند؟ پس اگر ما به اهمیت آن‌ها پی برده و پس گرفتن آن‌ها را محال بدانیم، در این صورت به جز یک وظیفه نداریم و آن هم این است که اسباب تشویق و قدردانی انجمن آثار ملی را فراهم آورده و نگذاریم که بقیه آثار قدیمه را از میان ببرند!

آثار ملی

از آنجائی که کلمه آثار ملی نامحدود است، لذا تا اندازه‌ای که به نظر می‌رسد این کلمه را توضیح می‌دهیم.

آثار ملی آثار باقی مانده‌هایی است که نیاکان ما در قرن‌های گذشته از خود به یادگار گذاشته‌اند. از قبیل: معماری‌ها، حجاری‌ها، سنگ‌های تراشیده، کتیبه‌ها - قبرها - شمع‌دانها - قرآن‌های خطی مذهب - نسخه‌های خطی - مینیاتورها - کاشی‌ها - خاتم کاری‌ها - قالی‌ها - زرها - لباس و آلات جنگی - سکه‌ها - قلاب‌دوزی‌ها - جعبه‌ها - قلمدان‌ها - آلات موسیقی - کوزه‌های چینی و معدنی و امثال آن‌ها.

آثار ملی را چگونه باید نگاه‌داری کرد؟

برای نگاه‌داری آثار ملی دو قسم سرمایه لازم است: یکی سرمایه مادی و تشویق و دیگری سرمایه علمی و عملی است. باری برای عملی کردن این فکر یعنی نگاه‌داری آثار



ملی وسایل ذیل لازم است:

- ۱- از تمام بناهای قدیمه با قواعد فن معماری نقشه برداشتن و عین آن را در انجمن آثار ملی و یا در وزارت فواید عامه نگاه داشتن.
- ۲- از تمام اثاثیه و آلات تزئین بناهای مقدسه عکس برداشتن و با شرح حال آنها نگاهداری کردن.
- ۳- خرابه‌ها را تمیز کردن و به اطراف بناهائی که خیلی مهم است دیوار کشیدن.
- ۴- در داخل بناها و خرابه‌هائی که در آنها آثار پربها موجود است از قبیل چینی‌ها، مرمرها، گلدان‌ها، کتیبه‌ها و غیره در روزهای مهم اجازه دخول دادن.
- ۵- قدغن سخت از استعمال سنگ‌های ریخته و سایر مصالح خرابه‌ها.
- ۶- تهیه کردن وسایل زیارت [دیدار] کنندگان از قبیل تعمیر راه‌ها و غیره.
- ۷- تعمیر نمودن بعضی از بناهای قدیمه با تصویب عتیقه شناسان و معماران عالم.
- ۸- منع خروج آثار عتیقه از خاک ایران. این آثار را باید انجمن آثار ملی به قیمت عادله خریداری نماید.
- ۹- فراهم آوردن اسباب حفریات و جمع‌آوری آثار کشف شده.
- ۱۰- چاپ کردن بعضی از نقشه‌های آثار ملی با رنگ و چسباندن آنها به دیوارهای تمام ادارات دولتی و مدارس و به این طریق آگاه نمودن مردم از اهمیت آنها.
- ۱۱- در هر ایالت تأسیس نمودن یک موزه و تخصیص دادن آثار قدیمه هر ایالت به موزه خود آن.
- ۱۲- جمع‌آوری کتابهائی که درباره آثار قدیمه ایران اروپائیان نوشته‌اند و نشر دادن یک مجموعه مخصوص درباره آثار قدیمه.

برلین - طاهرزاده تبریزی

قضات عدلیه ایران بخوانند.

[در مصر] شخصی به خواستگاری یکی از معلمات جوان که ماهی یازده لیره حقوق می‌گرفت قیام نمود. معلمه در اول به درخواست او راضی نشد، چون می‌دانست که هرگاه به عقد او درآید حقوقش از دست خواهد رفت و حکومت مصری زن منکوحه را به معلمی نمی‌پذیرد. ولی به



اصرار زیاد آخر به این مسئله راضی شد و استعفای خود را به وزارت معارف ارسال داشت. پس از سه ماه شوهر که دیگر کام خود را ستانده و دفع شهوت کرده بود، زن را بدون جهت طلاق داد. بیچاره چون دید که از یک طرف حقوقش از میان رفته و از طرفی به شرافتش توهینی وارد آمده به محکمه عارض شد و غیر از مهریه در خواست پنج هزار لیره خسارت کرد. محکمه پس از تحقیقات کامله حکم ذیل که لرزه در ارکان موهوم پرستان انداخت صادر کرد:

«نظر بر این که زن و شوهر هر دو مسلمانند و بدون گفتگو کاملاً می‌دانند که به موجب تعلیمات شریعت اسلام طلاق عقد را لغو و باطل می‌نماید و از این رو اساس این شریعت بر حق طلاق را که بدون سبب و از روی سهل انگاری است جایز نمی‌داند. و نظر بر این که مقصود ازدواج تمتع شهوانی نیست بل غایت آن برتر و عالی‌تر از آن است. یعنی مقصود تشکیل یک خانواده و تولید روابط مابین زن و مرد و اقوام آنان است تا نژاد باقی بماند و این امر بلاشک اَسّ اساس ازدواج است.»

لیکن چون ممکن است سبب‌هائی چند که خارج از اختیار ازواج و اقوام آنان است رخ دهد حق جَلّ و علا از روی شفقت به حال طرفین طلاق را جایز دانسته است. در این صورت فقط اقدام به این امر جایز است ولی باید کار به نهایت رسیده و چاره دیگری نباشد. نه موافق انسانیت است و نه شرط انصاف و شریعت که یک شخص زن خود را بدون سبب طلاق دهد. در انجام این حقی که به او داده شده است هم بر این حق و هم بر شخص خود و هم بر دیگران تعدی کرده است چه، قانوناً ممنوع است که شخصی در اجرای حق خود در حق هم‌نوع تعدی کرده و به او زیان رساند ...

... نظر بر این که در طی مرافعه معلوم گردید که مدعی علیه در اجرای حق خود بد عمل نموده و مسئول کردار خویش است.

نظر بر این که این طلاق ناگهانی ممکن است به مدعیه زیان رساند و نه فقط کاری که داشته از دست برود بل به شرافت او لطمه وارد آید و مقامش را سست‌تر از آن که در قبل از ازدواج بوده نماید.

نظر به این که روابط ازدواج بسته به معنی بلند آن است و به سهولت و فقط برای هوا و هوس نباید آن را بست و باید قبل از گسیختن رشته نتایج آن را پیش‌بینی کرد و حقوقی که



به موجب قانون شرع برای زن معین گردیده محترم شمرد.
نظر بر این که محکمه موافق با نظریات مدعیه است که درخواست خسارتی در ازای تعدی که به او از اجرای حق طلاق وارد آمده می‌نماید.
نظر بر این که به علاوه مشارالیها درخواست یک صد لیره پس افتاده کابین خود را می‌نماید چنانچه در عقدنامه مذکور است و معروض با وجود حکم محکمه شرعی مورخه ۲۱ دسامبر ۱۹۲۵ از پرداختن سر زده است.

نظر بر این که در مبلغ خسارت زیاد درخواست شده است.
به این جهات محکمه مصطفی افندی علوی را به پرداختن مبلغ یک هزار و صد لیره به علاوه تمام مخارج مرافعه محکوم می‌نماید که به مشارالیها بپردازد. «انتهی»

آری این است عدالت و این است تمدن که هم موافق حقیقت اسلام است و هم حافظ حقوق بیچارگان. البته خوانندگان می‌دانند که مصر هم یکی از ممالک اسلامی است و مصریان نهایت پای‌بند به مذهب خود هستند و تاکنون تبلیغات مبلغین مسیحی چندان نتیجه‌ای نبخشیده بل نخواهد بخشید، لذا خدای نکرده از روی بی‌اعتقادی به مذهب نیست که این‌گونه حقیقت اسلام را از دریچه تمدن اروپائیان فهمیدند. بل به واسطه این است که دانسته‌اند هر چه موافق با عدالت است، موافق با اسلام است و آنچه ظلم است شارع مقدس از آن بی‌زار است.

ای کاش ایرانیان هم یک روز دریابند که مقصود از بعثت حضرت رسول حق پرستی، آبادی عالم، رفع ظلم، ترویج عدل و تمدن بوده است. ■

پروژه پایه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی